

ظرائف آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی در آثار سعدی

شهربانو رنجبر، محمدعلی داوودآبادی فراهانی، محمدرضا زمان احمدی*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

بهمن ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۱، صص ۱۱۷-۱۳۱

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6726

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: سعدی از جمله شاعران و هنرمندانی است که همچون جامعه‌شناسی آگاه به ثبت و ضبط بسیاری از آداب و رسوم عصر و محیط پیرامون خویش پرداخته است و شاید بتوان گفت نگاه وقادانه او گوی سبقت را از بسیاری از هم‌عصران خویش ربوده است. هدف اصلی این جستار بررسی ظرائف آداب اجتماعی و فرهنگی عصر و زمانه سعدی است که در آثار وی منعکس شده است.

روش مطالعه: روش مطالعه در این پژوهش توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای است. دامنه پژوهش کلیات سعدی به تصحیح محمدعلی فروغی می‌باشد.

یافته‌ها: آداب و رسوم اجتماعی بسیاری مانند توجه به جلب گردشگران، فروش اجناس تقلبی، حیطه اختیارات محتسبان، قتل مخنثان و پراکندگی زنان بدکاره در شهر از جمله نکات و ظرائف مورد توجه سعدی می‌باشد.

نتیجه‌گیری: بررسی اشعار سعدی و تعمق در انعکاس آداب اجتماعی و فرهنگی عصر وی نشان می‌دهد سعدی در مقام نصیحتگری اجتماعی، طنزپردازی منتقد و نکته‌بینی خردمند به آداب و رسوم اجتماعی عصر خویش توجه داشته است.

تاریخ دریافت: ۲۲ آذر ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۲۴ دی ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۰۶ بهمن ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۲۵ اسفند ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

سعدی، آداب و رسوم، اجتماع و فرهنگ، قرن هفتم.

* نویسنده مسئول:

m-zamanahmadi@iaa-arak.ac.ir

۳۴۱۳۲۴۵۱ (+۹۸ ۸۶)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The subtleties of social and cultural customs in Sa'adi's works

Sh. Ranjbar, M.R. Zaman Ahmadi*, M.A. Davoodabadi Farahani

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 13 December 2021

Reviewed: 14 January 2022

Revised: 236 January 2022

Accepted: 16 March 2022

KEYWORDS

Sa'adi, customs,
society and culture,
seventh century.

*Corresponding Author

✉ m-zamanahmadi@iaau-arak.ac.ir

☎ (+98 86) 34132451

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Sa'adi is one of the poets and artists who, like a knowledgeable sociologist, has recorded many customs of the time and the environment around him, and it can be said that his careful look has snatched the lead from many of his peers. The main purpose of this article is to study the nuances of social and cultural customs of Sa'adi era and time that are reflected in his works.

METHODOLOGY: The study method in this research is descriptive-analytical based on library studies. The scope of Sa'adi's research is corrected by Mohammad Ali Foroughi.

FINDINGS: Findings show that many social customs such as paying attention to attracting tourists, selling counterfeit goods, the scope of authority of accountants, murder of miscreants and the dispersion of evil women in the city are among the points and delicacies Sa'adi pays attention to.

CONCLUSION: Examining Sa'adi's poems and meditating on the reflection of social and cultural customs of his time shows that Sa'adi, as a social advisor, critical satirist and wise point man, has paid attention to the social customs of his time.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6726](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6726)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 20	 0	 0

مقدمه

شعر و ادبیات هر ملّتی وضع موجود اجتماع را در دوره‌هایی عیناً منعکس میکند و یا به برخی از جنبه‌های واقعی زندگی مردم میتواند اشاراتی داشته باشد. بدین لحاظ شعر و ادبیات را میتوان آینه‌ای از زندگی مردم هر عصر و جامعه دانست. برخی پژوهشگران معتقدند «از ادبیات میتوان بعنوان یک سند اجتماعی برای به دست آوردن نکات کلی تاریخی - اجتماعی استفاده کرد» (ولک و همکار، ۱۳۷۳: ۹۹). ازاینرو ادبیات هر جامعه بستری مناسب برای مطالعه بخشی از اوضاع و احوال و آداب اجتماعی و فرهنگی آن جامعه محسوب میشود. بسیاری از کتب و آثار ادبی هنرمندان و شاعران طرازاول و برجسته ایران در عین برخورداری از جنبه‌های ادبی، برگرفته از اندیشه اجتماعی دوران خود نیز هستند؛ ازاینرو درونمایه‌های اجتماعی و محتوای این آثار بازگوکننده افق فرهنگی و فکری جامعه و زمان خود است. در میان آثار برجسته زبان و ادب فارسی، گلستان و بوستان سعدی بجهت توجه به بسیاری از آداب اجتماعی موجود در روزگار خود، جدا از ارزش و اهمیت ادبی، از بنمایه‌های غنی درخصوص مسائل اجتماعی برخوردار هستند. یوسفی در مقدمه گلستان به تصحیح خود مینویسد: «گلستان تجلّی اوضاع اجتماعی عصر سعدی است» (۱۳۹۸: پ). در گلستان و بوستان میتوان به بسیاری از زوایای اجتماعی ایران در عصر سعدی پی برد. سعدی بیش از شاعران دیگر به جامعه پیرامون خویش نظر داشته است.

در این مقاله درصدد پاسخگویی به این مسئله هستیم که برخی ظرایف آداب اجتماعی عصر سعدی چگونه در دو اثر مهم وی یعنی گلستان و بوستان منعکس شده است. در پاسخ به سؤال مطرح‌شده، فرضیه موردنظر آن است که سعدی با نگاهی وقادانه و تیزبین مانند جامعه‌شناسی هوشمند به بسیاری از ظرایف و آداب رسوم عصر خویش توجه نموده است. در بیان تفاوت رویکرد پیش رو در این مقاله با سایر مقالات منتشرشده درخصوص آداب و رسوم فرهنگی و اجتماعی در آثار منظوم ادب فارسی و از جمله آثار سعدی، نکته قابل توجه، تفاوت مصادیق موردبررسی در مقاله حاضر میباشد. در بیشتر پژوهشهای موجود به فرهنگ عامیانه عصر و زمان هنرمندان و ادیبان توجه شده است (اموری مانند غذاها، بازیها و ...) که در دواوین شعری همعصران یک هنرمند نیز میتوان مصادیق آنها را یافت، اما در جستار پیش رو ظرایف و نکات مغفول از دیدگاه پژوهشگران، که خلأ بررسی پیرامون آن ضروری بنظر میرسد، مورد توجه قرار گرفته است. بعنوان نمونه مصادیق بسیار جزئی از شرایط اجتماعی ایران مانند (خرید کردن نان از بقالی بجای نانوائی شبیه آنچه امروز در مغازه‌ها و بافت اجتماعی و فرهنگی ایران معاصر نیز میتوان یافت و یا حدود اختیارات محتسبان، تولید اجناس مشابه کالاهای وارداتی مانند ساخت کاسه چینی در قالب نمونه ایرانی آن در مرودشت و ظرایفی از این قبیل) که البته تعداد زیادی را دربر نمیگیرد، اما بلحاظ شناخت گوشه‌ای از شرایط و آداب فرهنگی و اجتماعی ایران بسیار مفید و راهگشا خواهد بود. امید که این جستار راهگشای پژوهشهای بیشتر در این زمینه باشد.

ضرورت و سابقه پژوهش

ضرورت پرداختن به موضوع فوق از دو جهت حائز اهمیت است: نخست آنکه گلستان و بوستان بدلیل ریزبینی، دقت و امعان‌نظر همه‌جانبه سعدی به مسائل پیرامون و جامعه خویش، منبعی ارزشمند در شناخت آداب و رسوم اجتماعی عصر شاعر است و از سوی دیگر با مذاقه و بررسی در آثاری که پیرامون زندگی، اندیشه و هنر شاعری و نویسندگی سعدی صورت گرفته، به پژوهش علمی و قابل استنادی که درخصوص آداب اجتماعی در عصر و روزگار سعدی باشد دست نیافتیم و آنچه بیشتر در قالب کتاب و مقالات علمی منتشر شده‌اند حیطه‌ای از فرهنگ عامه

عصر سعدی را دربر میگیرند که در روش‌شناسی و پرداخت مطلب تا حدود بسیاری با جستار پیش رو متفاوت هستند؛ بدین معنا که در جستار پیش رو نکات اجتماعی پنهان که بصورت بسیار ظریفی در لایه‌های نهفته سخن سعدی است و تا حدود بسیاری از دید پژوهشگران مغفول مانده است، مورد توجه قرار گرفته و از این نظر اهمیت و ضرورت انجام پژوهش مشخص میگردد.

با توجه به بررسیهای بعمل آمده تاکنون پژوهشهای متفاوت و گوناگونی پیرامون پرداختن به برخی از جنبه‌ها و زوایای آداب و رسوم اجتماعی ایران در عصر و روزگار سعدی منتشر شده است که با مطالعه، دقت و واکاوی در آنها متوجه خواهیم شد که مرکز اصلی بحث و تمرکز اینگونه آثار بیشتر بر آداب و رسوم عامیانه یا فولکلور میباشد که تقریباً در ادوار گوناگون شعر پارسی پس از اسلام بصورت مشترکی در اکثر دیوانهای شعری یا متون منثور ادبی میتوان ردپایی از آنها یافت؛ مانند حرز، تعویذ و اسپند دود کردن، کیمیاگری، تفأل زدن، اهلی کردن پرندگان، آداب ازدواج و انواع بازیها. درخصوص آداب و رسوم و باورهای عصر سعدی به کتابی با عنوان «نگاه سعدی به آداب، رسوم و باورهای مردم» از جمال زبانی (۱۳۹۳) میتوان اشاره نمود. هرچند در این کتاب باورهای عامه رایج مانند انواع بازیها، غذا خوردن، چله‌نشینی زاهدان، دست‌آموز کردن حیوانات، دفن مردگان، و جزیه گرفتن از کافران مورد توجه نویسنده قرار گرفته است که تا حدود بسیاری فولکلور یا فرهنگ عامیانه زمان سعدی (و حتی در ادوار دیگر) واکاوی شده است، اما رویکرد پژوهش پیش رو با این اثر نیز متفاوت است. در کتاب «تحقیق درباره سعدی» از «هانری ماسه» ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدحسن مهدوی اردبیلی (۱۳۶۹) در فصل اول تحت عنوان «مرد اجتماعی» تحلیلی جامعه‌شناسانه از روزگار سعدی ارائه شده است. امیدعلی احمدی نیز کتابی با عنوان «نگاهی جامعه‌شناسانه به گلستان سعدی» دارد که در این کتاب هشت باب گلستان سعدی از منظر موضوعات اصلی و فرعی بصورت جدول‌بندی و تجزیه آماری مورد توجه قرار گرفته است.

از مقالات نسبتاً مرتبط نیز میتوان به چند مقاله علمی که نتایج قابل قبولی دارند اشاره نمود. از جمله طاهری و مرتضایی کمری (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی تعالیم اخلاقی در گلستان و قصه‌های کنتربری». نویسندگان محترم بخش قابل توجهی از آداب تعلیم و تربیت از نظرگاه سعدی و جفری چاسر را در بررسی تطبیقی از منظر فطرت مشترک بشری در توجه به نکات اخلاقی بررسی نموده‌اند. علوی (۱۳۸۵) در مقاله «آموزه‌های فقهی در گلستان» درخصوص اجرای حدود شرعی و انجام نذورات در زمان سعدی به بحث پرداخته است. مسجدی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله «فرایند اخلاقی شدن جامعه از نگاه جامعه» مسائل اخلاقی و تربیتی عصر و روزگار سعدی را مورد توجه قرار داده‌اند و بایدها و نبایدهای اخلاقی عصر سعدی و نتایج علمی آنها در رفتار و سلوک مردم را بررسی نموده‌اند. ترکاشوند (۱۳۹۶) در مقاله «کارکرد تکرار و تداعی در انتقادهای اجتماعی پنج شاعر برگزیده سبک عراقی» لثامت و بی‌سختی عصر سعدی را بصورت ضمنی مورد توجه قرار داده است. صفری‌نژاد (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سعدی» در قالب پرداختن به طنز سیاسی سعدی، برخی رسوم ناپسند زمان وی از جمله رشوه و بی‌اخلاقی حاکمان را بررسی کرده است.

بحث و بررسی

سعدی از معدود نویسندگان و شاعرانی است که مسائل اجتماعی و آداب و رسوم جامعه را با زبانی شیوا و بیانی زیبا تصویر کرده است. «در آثار سعدی، چه منظوم و چه منثور، از جامعه طبقاتی متشکل از ستمگران و ستمکشان، گرسنگان و سیران سخن به میان آمده است و مظالم و مفاسد حکمرانان زمان و دردهای اجتماعی با شیوه‌ای

بسیار عالی در این آثار مورد بررسی قرار گرفته است» (ثقفی، ۱۳۵۷: ۱۲۳). درخصوص دیدگاه اجتماعی سعدی لازم به توضیح است که «سعدی متفکری رادیکال یا حداقل خواستار اصلاحات و تغییرات عمیق اجتماعی نیست. وی برخلاف حافظ هیچ‌گاه مدعی آن نمیشود که باید سقف فلک را شکافت و طرحی نو درانداخت و جهانی با راه و رسم جدید تأسیس کرد و به آفرینش انسانی با مختصات آرمانی دست زد. هرچند تلاش آدمی را در بهبود زندگی و مخصوصاً در عرصه اخلاق بی‌تأثیر نمیداند» (یوسفیان، ۱۳۵۷: ۱۷). البته آنچه مسلم است ارزشها و هنجارهای اجتماعی نزد سعدی ملاک و معیار پذیرش یا مردود ساختن رفتار یا عملی به‌تنهایی نیست؛ چراکه سعدی علاوه بر آگاهی و معرفت جامعه‌شناسانه، از علم و دین و اخلاق بهره‌ها برده است. سعدی را سخنگوی زندگی بشر عصر خویش میتوان دانست. سعدی با توجه به اوضاع و احوال و شرایط عصر خویش نکات بسیاری از آداب و رسوم اجتماعی روزگار خویش را در اشعار و نوشته‌های خود به تصویر کشیده است.

اوضاع اجتماعی عصر و روزگار سعدی

شرایط و اوضاع اجتماعی عصر سعدی را بدون در نظر گرفتن وضعیت سیاسی ایران نمیتوان متصور بود. بخش اعظمی از روزگار سعدی در دوران پرآشوب و بحرانی استیلای مغولان بر ایران سپری شد. انحطاط اخلاقی، معضلات اقتصادی، درگیریها و نزاعهای خونبار همه و همه از وضعیت اسفناک ایران در آن روزگار مایه میگرفت. مغولها و سپس استیلای تیموریان مایه اضطراب و نومیدی بسیاری از مردم شده بود. صوفی‌مآبان ریاکار، قاضیان رشوت‌گیر و زهده‌فروشی و سودجویی زاهدان، گرانفروشی کسبه و اهل بازار و گاه ساده‌لوحی عوام، رونق را از زندگی مردم برده بود. تأکید و تکیه سعدی بر اخلاق و اصول اخلاقی و رعایت حقوق شهروندی و پایبندی به آداب و سنتهای اجتماعی از آن رو است که سعدی با جوامع مختلف در سفرهای گوناگون آشنا شده و از شیوه تعامل افراد، نحوه حکومت‌داری حاکمان و آداب و رسوم آنان آگاهی کسب کرده و در نقش منتقدی آگاه و جامعه‌شناسی تیزبین به انعکاس آداب اجتماعی و فرهنگی عصر خویش پرداخته است.

سعدی با حدت نظر و دقتی که دارد رفتار طوایف و طبقات و اقشار گوناگون از زن و مرد و پیر و جوان را مورد توجه قرار داده و بدنه اصلی آثار خویش را بر پایه توجه به این نکات پی‌ریزی نموده است. گلستان و بوستان آینه تمام‌نمای عرصه اجتماعی و زندگی روزمره مردم شیراز است. پیش از پرداختن به انعکاس این آداب اجتماعی در آثار سعدی، به بررسی موقعیت شیراز از منظر «معجم‌البلدان» یاقوت حموی میپردازیم. یاقوت حموی، که همزمان با سعدی میزیسته است و کتاب معتبر خود با نام «معجم‌البلدان» را به سال ۶۲۱ هـ. ق تألیف نموده است، درخصوص موقعیت شیراز مینویسد: «[این شهر] در میان ایالت فارس واقع است. طول شیراز هشتاد و هشت درجه و نصف و عرض آن، بیست و نه درجه و نصف. آب شهر از قنات تأمین میشود که تعدادشان زیاد است» (معجم‌البلدان: ج ۵ / ۳۲۰؛ رستگار فسایی، ۱۳۵۰: ۱۴۵). یاقوت حموی شیراز را «بلد مشهور معروف» میخواند. حمدالله مستوفی در دوران اوج حکومت و فرمانروایی ایلخانی مینویسد: «مردم [شیراز] به کمتر کسی قانع و در او بینوا بسیار است اما از کدیه محترز باشند و البته به کسبی مشغول... ثروتمندان اغلب از آن شهرهای دیگرند و شیرازی متمول نادر است... مردم اکثر لاغرند و سنی شافعی‌مذهب و اندک حنفی و شیعی نیز باشند... اکنون بسبب بی‌انصافی و طمع پیشوایان، [شیراز] مسکن اشقیاست» (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۳۸).

چنین مینماید که آثار حکومت ایلخانان و هرج‌ومرج و فقر و گرسنگی ناشی از آن، در دوران پس از سعدی نیز هنوز مشخص است. «توصیف سعدی از شیراز چنین است که ساربانان و کاروانسالاران در پیشاپیش کاروانهای

خود از دروازه‌ها خارج یا به آنها وارد می‌شده‌اند و در شهر در سراچه‌های بازار رحل اقامت می‌افکنده‌اند و کالای نفیس خود را عرضه می‌داشته‌اند. خیلانشان بساط کاروانها را جمع و جور می‌کردند. چاوشان یل کماندار، کمان کیانی، قبای اطلس و کمر زرین می‌گذاشتند و خبری مهم را اعلام می‌داشتند. شعبده‌بازان، مشت‌زنان، سپربازان و چرخ‌اندازان در میدان شهر مردم را سرگرم می‌کردند و فالگیران در گوشه و کنار شهر بساط خود را می‌گسترده‌اند. دارالشفای بیمارانی که به آن داخل و یا از آن خارج می‌شدند پر و خالی می‌شد، سقاها مشکهای آب بر دوش تشنگان رهگذر را سیراب می‌کردند. دلاکان دندان‌کش و حجامت‌کاران در بازار، گوشه‌هایی را به کار خود اختصاص داده و پیوسته مشغول بودند... سعدی در آثار خود جای جای از محتسب و بی‌می که مردم از او در دل داشتند سخن گفته است» (بیانی، ۱۳۸۸: ۱۴۵ - ۱۴۴). در ادامه مصادیق و نمونه‌هایی از توجه سعدی به ظرایف و نکات آداب اجتماعی زمان و عصر خویش را به تفکیک مورد توجه قرار خواهیم داد.

ریاکاری فقیهان؛ رفتار رایج در جامعه: در بررسی سیر تصوف از آغاز تا روزگار سعدی دیده می‌شود که «تصوف در دوره‌های نخست، طریقه زاهدانه‌ای است منشعب از عرفان که با زهد کلی آغاز شده است و پیروانش را به احتراز از خواهشهای نفسانی و اعراض از ماسوی دلالت می‌کند» (زرین‌کوب، ۱۳۸۰: ۱۱). این طریقه اندک اندک از حقیقت و ماهیت عرفانی خود دور شد تا آنکه مقارن با یورش هولناک مغولان به انواع بدعتها، خرافات و انحرافات آلوده گشت.

یکی از انواع انحرافات تصوف در روزگار سعدی که با نقدهای بسیاری مواجه گشته است و از منظر آسیب‌شناسی قابل بحث و بررسی است، دنیامداری زاهدان و رواج ریا و تزویر در میان صوفیان است. انحطاط روزافزون فرقه تصوف با حمله خانمانسوز مغول در سال ۶۱۶ هـ. ق آغاز گردید. «ایرانیان در این روزگار پرحادثه به اندازه تمام تاریخ گذشته و آینده خود رنج کشیدند و اگرچه فرهنگ نیمه‌جان خود را با کوششهای مداوم از زیر لطمات سخت، به هر گونه‌ای که میسر بود نجات بخشیدند، اما نتوانستند آثار نامطلوب این دوران سیاه را بر حیات فکری، فرهنگی و علمی خویش محو کنند» (صفا، ۱۳۸۲: ۲۱). هجوم وحشیانه مغول که بصورت ناباورانه‌ای نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملت ایران را از هم فروپاشید، انحطاط فکری و فرهنگی بسیاری را در پی داشت. «مشاهده شکستهای پی‌درپی ایران قدرتمند، با وجود مبارزات متعدد، احساس خاصی را در ایرانیان تقویت کرد؛ احساس ضعف و ناتوانی در ایجاد تغییر و اصلاح جامعه و باور به بی‌ثباتی و بی‌ارزشی دنیا و لزوم بیتوجهی به امورات دنیوی را در میان مردم رواج داد. اندیشه «این نیز بگذرد» و دنیا محل گذر است در دنیای وحشت‌زده آن روزگار بر اذهان مردم سرازیر شد و خود یکی از عوامل جدی در ترویج و پذیرش اندیشه‌های صوفیانه شد؛ به بیان دیگر شرایط سخت سیاسی - اجتماعی عصر از یک سو و احساس ناتوانی و بی‌اثر بودن تلاشهای فردی برای تغییر اوضاع بد جامعه از سوی دیگر، عده بسیاری را به قبول باور صوفیانه بی‌ارزش بودن دنیای فانی ناچار کرد (غلامرضایی، ۱۳۷۷: ۲۴۳ - ۲۴۲).

در دوران حمله مغول، تصوف گریزگاهی شد برای محرومان، گرسنگان و رنج‌دیدگانی که در مقابل ظلم مغولان چاره‌ای جز ملبس شدن به کسوت صوفیه نداشتند. «مردم رنج‌کشیده با درآمدن به کسوت تصوف از ظلم و وحشت و گرسنگی جامعه، به آرامش و بیخبری خانقاه پناه می‌بردند و خانقاه پناهگاهی دلخواسته شد که به آن مردمان مأوا میداد و گرسنگی آنان را با فتوحات و نذور مردم، بی‌زحمت کار و کسب سیر میکرد و از طرف دیگر، آموزه‌های آن نیز روح و ذهنهای وحشت‌زده آنان را تسکین میداد؛ ازاینرو در این زمان، بیشتر کسانی که در کسوت صوفی به خانقاه پناه آورده بودند، مردمان متظاهری بودند که شرایط سخت جامعه و گرسنگی آنان را سرباز مشایخ کرده

بود نه روح حقیقت‌جوی و خداطلب آنان و همین صوفیان مصلحت‌اندیش هرچند موجبات رواج صوری تصوف را در این دوران فراهم کردند، عامل مؤثری برای انحطاط بیشتر جریان تصوف در این دوران گردیدند» (صفا، ۱۳۸۲: ۱۶۷ - ۱۶۵). ازاینرو حقیقت‌عرفان و تصوف روزبروز بیشتر دستخوش تغییر و تحولات منفی و مخرب میشد؛ تا جایی که در روزگار سعدی ارزشهای صوفیه بشدت سقوط کرد. ازاین‌رو سعدی بعنوان مصلحی اجتماعی با نتایج تلخ این آفت اجتماعی یعنی فسق و فجور و ریاکاری زاهدان سر ناسازگاری دارد و در جای جای آثار خویش ضمن معرفی عرفان حقیقی، به ترسیم ابعاد این موضوع میپردازد. در *گلستان* در توصیف پرهیز از شکمبارگی صوفیان آورده است که: «یکی را از علمای راسخ پرسیدند که چه فرمایی در نانِ وقف؟ گفت اگر نان از بهر جمعیت خاطر میستاند، حلال است و اگر جمع از بهر نان مینشیند، حرام:

نان از برای کنج عبادت گرفته‌اند / صاحب‌دلان نه کنج عبادت برای نان (گلستان: ۱۰۴).

در تعریضی گزنده به این زاهدان در باب دوم *گلستان* در اخلاق درویشان نیز میخوانیم که:

ترک دنیا به مردم آموزند / خویشان سیم و غله اندوزند (همان: ۱۴۷)

و نیز:

عالم که کامرانی و تن‌پروری کند / او خویشان گم است، که را رهبری کند؟ (همانجا)

بر این اساس، سعدی با به تصویر کشیدن آفتهای زهد ریاکارانه، شرایط و اوضاع اجتماعی عصر خویش را نشان میدهد.

رشوه‌گیری قاضیان؛ ناشایستی رایج: از دیگر نمونه‌های بی‌اخلاقی رایج در روزگار سعدی، که بعنوان نوعی هنجارشکنی و البته آداب اجتماعی مرسوم در آن روزگار میتوان از آن یاد کرد، رشوه‌گیری قاضیان شهر است. منصب قضاوت در جایگاه یکی از مناصب مهم اجتماعی، حساس و مورد توجه سعدی است که عاری از خلل نیست. قاضی آثار سعدی معمولاً از هوای نفس پیروی میکند و به زیورهای اخلاقی آراسته نیست و میتواند در ازای دریافت مبلغی هرچند ناچیز، دنداناش کند شود و حکمی به ناحق صادر نماید. سعدی از اخلاق اجتماعی، ارزشها و ضدارزشهای حاکم بر عصر و جامعه خویش میگوید. جامعه‌ای که فساد مالی و رشوه‌خواری تاروپود آن را تحت سیطره خویش درآورده است. فساد مالی یکی از پدیده‌های ناهنجار و آسیبهای اجتماعی است که در زمان سعدی رایج و سبب انحطاط جامعه شده بود. قاضیانی که سعدی در توصیفشان میگوید:

قاضی که به رشوت بخورد پنج خیار / ثابت کند از بهر تو ده خربزه‌زار (همان: ۲۱۷)

قاضیان زمانه سعدی فساد و تباهی را تا بدانجا رسانده‌اند که آنان را «مصلحت‌جوی طراران» خطاب مینماید. سعدی در *گلستان* با طنزی جالب‌توجه، وظیفه قاضی را چنین توصیف میکند: «شاه از بهر دفع ستمکاران است و شهنه برای خونخواران و قاضی، مصلحت‌جوی طراران» (همان: ۱۹۴). و در تعریض و تهکم به قاضیان و رشوه‌ستانی آنان در جای دیگر میگوید: «همه کس را دندان به ترشی کند شود مگر قاضیان را که به شیرینی» (همان: ۱۹۸).

از دیگر اوصاف قاضیان در نظر سعدی، میل به «شرابخواری» آنان است:

چو خویشان نتواند که می خورد قاضی / ضرورت است که بر دیگران بگیرد سخت (مواعظ: ۸۷۴)

سعدی طنزی تلخ را از احوالات اخلاقی رایج در بین قاضیان و شاعران عصر خویش بازگو میکند:

هر روز به شیوه‌ای و لطفی دگری / چندانکه نگه می‌کنمت خوبتری

گفتم به قاضی برمت تا دل خویش / بستانم و ترسم دل قاضی ببری (همان: ۵۱۴)

و یا طعنه و تعریض سعدی به دزد بودن قاضیان در این بیت:

دیو اگر صومعه داری کند اندر ملکوت / همچو ابلیس همان طینت ماضی دارد
 ناکس است آنکه به دراعه و دستار کس است / دزد دزد است و گر جامه قاضی دارد (همان: ۸۷۱)

حدود اختیارات محتسب: در باب پیدایش جایگاه شغلی محتسبان و پیدایش «حسبه» باید گفت این حکم طبق دستورات قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) انجام می‌شده است. نظارت بر کردار و اعمال مسلمانان در آیه ۷۱ سورة توبه مورد توجه قرار گرفته است * وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ * یعنی «و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع میکنند و نماز بپا میدارند و زکات میدهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت میکنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست‌کردار است». «حسبه از قواعد مربوط به امور دینی است و در صدر اسلام بعثت اینکه از مصالح عمومی بوده و ثواب زیادی بر آن وعده داده شده است، پیشوایان و رهبران شخصاً اداره امور آن را برعهده می‌گرفتند. پیامبر (ص) با محتکرین برخورد میکرد. بررسی سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) بیانگر اهمیت این موضوع در اسلام و نقش مهمی است که این امر خطیر در اجرای قوانین اسلام و جلوگیری از فساد جامعه دارد؛ ازاینرو محتسب یعنی متصدی امر حسبه» (انصاری، ۱۳۸۶: ۶ / ۴۲۱). یکی از ویژگیهای رفتاری - شغلی محتسبان، تجسس و خرده‌گیری در امور مردم جامعه بوده است؛ اما پاسداشت حریم و حرمت افراد از جمله نکاتی است که سعدی در جامعه خویش به آن توجه داشته است. برای توضیح این مطلب لازم است ابتدا نظر سعدی را بیاوریم: «یکی از بزرگان گفت پارسایی را چه گویی در حق فلان عابد که دیگران در حق وی به طعنه سخنها گفته‌اند؛ گفت بر ظاهرش عیب نمی‌بینم و در باطنش غیب نمیدانم: هر که را جامه پارسا بینی / پارسا دان و نیکمرد انگار
 و ندانی که در نهانش چیست / محتسب را درون خانه چه کار؟ (گلستان، باب دوم: ۵۳)

نکته مورد توجه در مصرع آخر است. چنانکه از لحن سؤالی سعدی برمی‌آید «محتسب را درون خانه چه کار؟» تفحص و تجسس محتسب در امور مردم از دیدگاه سعدی امری عجیب تلقی می‌شده است. ازاینرو بنظر میرسد یکی از آداب اجتماعی عصر سعدی آن بوده است که اگر محتسبی از فسق و فجور در منزل و یا خانه‌ای آگاه میشد، حق ورود به آنجا را نداشته است و شاید از پشت در یا پنجره اهل خانه را تذکر میداده است. شاید ازاینرو محتسبی که اجازه ورود به محفل و خانه‌ای را نداشته، شروع به سنگ پرتاب کردن مینموده است:
 با محتسب شهر بگویند که زنهار / در مجلس ما سنگ مینداز که جام است (غزلیات: ۴۴۰)

که میتواند کنایه‌ای از کارشکنی نیز باشد اما به هر ترتیب با قرائن قبلی که پیشتر ذکر شد برداشت مفهوم اصلی و اولیه دور از ذهن نیست.

تهیه نان از بقالی بجای نانوايي: یکی دیگر از آداب اجتماعی قابل توجه در بوستان سعدی، فروش نان در بقالی است. رسمی که امروزه در جامعه معاصر با آن مواجه هستیم گویا قدمتی دیرینه دارد و بقالیه‌ها نیز علاوه بر نانوايیه‌ها نان می‌فروختند؛ چنانکه در باب دوم بوستان در بیان «احسان» آمده است:
 بزارید وقتی زنی پیش شوی / که دیگر مخر نان ز بقال کوی (بوستان: ۲۳۴)

چنانکه از لغتنامه دهخدا برمی‌آید بقالی محل فروش خواروبار است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه). ازاینرو بقالی با نانوايي فرق دارد و چنانچه گفتیم نکته مورد بحث فروش نان در خواروبارفروشی بجای نانوايي است که گویا از رسوم اجتماعی زمان شاعر بوده است.

ساخت اجناس مشابه و بعضاً تقلبی: یکی دیگر از آداب اقتصادی - اجتماعی جامعه شیراز زمان شاعر فروش اجناس تقلبی بوده است. سعدی به نمونه‌ای از فروش ظروف چینی تقلبی که کارگاه‌های تولید آن در «مرودشت» بوده است اشاره دارد. به گفته سعدی نوع بدل چینی ارزانتر بوده و زودتر بفروش میرسیده، اما توانایی مقابله و برابری با چینی اصل را بهیچ عنوان نداشته است؛ در باب هشتم گلستان سعدی در آداب نصیحت آورده است: «هرچه زود برآید، دیر نپاید»:

خاک مشرق شنیده‌ام که کنند / به چهل سال کاسه‌ای چینی

صد به روزی کنند در مرودشت / لاجرم قیمتش همی‌بینی (گلستان: ۱۵۲)

گل هدیه دادن: از دیگر آداب و رسومی که سعدی در دیباجه گلستان بعنوان یکی از رفتارهای احترام‌آمیز اجتماعی از آن یاد کرده است هدیه دادن «گل» میباشد؛ در آغاز کتاب گلستان میخوانیم: «یکی از دوستان گفت از این بستان که بودی ما را چه تحفه کرامت کردی، گفت بخاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را، چون پرسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» (همان: ۱۴). سعدی در این عبارات از رسم هدیه دادن گل که احتمالاً رسمی رایج بوده یاد کرده است.

توجه به مسائل عقیدتی در استخدام کارگزاران و عمال حکومتی: یکی دیگر از جنبه‌های آداب اجتماعی مورد توجه سعدی، توجه به بنیادهای اعتقادی و اخلاقی افرادی است که در سازمان و نظام اداری کشور به خدمت گماشته میشوند. سعدی بر «خداترس» بودن و اعتقاد این افراد تأکید مینماید و بنوعی با به تصویر کشیدن جهت‌گیریهای فکری و فرهنگی عصر خویش مشخص میکند که:

خدا ترس را بر رعیت گمار / که معمار ملک است پرهیزکار (بوستان: ۲۹)

از دیگر اوصافی که سعدی در ضمن شرایط استخدام مورد توجه قرار میدهد گزینه چشم‌ودل‌سیری است:

عمل گر دهی، مرد منعم شناس / که مفلس ندارد ز سلطان هراس (همانجا)

خوراک‌پزها (رستورانها) مکانی برای اطعام و نواخت موسیقی: شاید یکی از نکات و مظاهر دنیای متمدن بویژه در چند دهه اخیر غذا در رستورانهایی است که در آنها موسیقی زنده اجرا میگردد؛ اما نکته جالب توجه آنکه در روزگار سعدی این نوع محافل (خوراک‌پزها) که در آنها به اجرای موسیقی زنده همراه با صرف غذا توجه میشده است، مرسوم بوده و مورد توجه سعدی نیز قرار گرفته است و شاید بتوان بنوعی به غذاهای آماده و حاضری نیز در اشعار سعدی برخورد نمود. در باب ششم بوستان در بیان قناعت، سعدی واژه «سرسری» را برای غذایی که سریع آماده میشود یا همان غذاهای دم دستی می‌آورد:

غذا اگر لطیف است و گر سرسری / چو دیرت بدست اوفتد خوش خوری (همان: ۱۹۱)

غذای سرسری به قرینه غذای لطیف که برای طبخ آن باید لطافت و ظرافت بکار برود، احتمالاً غذای تهیه‌شده توسط بانوی خانه است، یا میتواند به غذاهای آماده خیابانی اشاره داشته باشد که در هنگام گرسنگی از قضا، مطبوع هم مینماید. سعدی در توصیف مجالس مهمانی میگوید:

ز سویی برآورده مطرب خروش / ز دیگر سو آواز ساقی که نوش

حریفان خراب از می لعل‌رنگ / سر چنگی از خواب در بر چو چنگ

دف و چنگ با یکدگر سازگار / برآورده زیر از میان ناله زار (همان: ۳۰۵)

در این مهمانسراها و مجالس، غلامان و کنیزان زیبارو و هنرمند به پذیرایی و خدمت مشغول میشدند.

توجه به صنعت توریسم و تبلیغات: یکی دیگر از آداب اجتماعی عصر سعدی توجه به مقوله گردشگری است. سعدی به این صنعت و ایجاد رونق در گردشگری بعنوان یکی از شاخصه‌های عصر خویش توجه نموده است: غریب آشنا باش و سیاح‌دوست / که سیاح جلاب نام نکوست
نکو دار ضیف و مسافر عزیز / و ز آسیبشان بر حذر باش نیز (همان: ۴۹)
و یا:

بزرگان مسافر به جان پرورند / که نام نکویی به عالم برند
تبه گردد آن مملکت عن قریب / کز او خاطر آزرده آید غریب (همانجا)

در حقیقت سعدی گردشگران خارجی را در حکم ابزار و دستگاه تبلیغاتی برای جذب توریست میدانده و میتوان به این نکته پی برد که شیراز در زمان سعدی نیز خطه‌ای گردشگری بوده است که ضرورت توجه به آن از سوی حکام و اهل علم و فن توسط سعدی گوشزد شده است. سعدی جلب جهانگردان را از راهکارهای مؤثر درآمدزایی در عصر خویش معرفی نموده است، و این صنعت را سبب ازدیاد روابط و تبادل اندیشه‌ها و گسترش گفتگوی فرهنگی معرفی نموده است؛ امری که در قرن بیستم در جهان مورد توجه قرار گرفت و چه بسا دولتها و کشورهایی که بخش اعظمی از هزینه‌های خویش را از این طریق تأمین مینمایند.

نشستن روسپیان و بدکارگان بر سر گذر: حیات سعدی مقارن بود با حمله خانمانسوز مغولان به ایران. اگر قول ذبیح‌الله صفا در *تاریخ ادبیات ایران* را بپذیریم، ولادت سعدی در سال ۶۰۶ هـ. ق و وفات وی بنا بر قول مشهور در سال ۶۹۰ هـ. ق بوده است (صفا، ۱۳۸۲: ۳ / ۵۹۰). براساس مستندات تاریخی، ایران پیش از حمله مغول و پس از آن یکی از بدترین ادوار تاریخی را بلحاظ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و اخلاقی از سر میگذراند. روزگار پیش از حملات مغول به ایران، روزگار اوج‌گیری و نزاعهای مختلف قومی و مذهبی بود (کسایی، ۱۳۷۶: ۲۹۰). حمله مغولان آتش نزاعهای داخلی و مذهبی را تا حدودی فرونشاند و اگر با دیدی یکجانبه به این حمله نگاه نکنیم، میتوان گفت فضای فکری جامعه از آتش کینه‌توزیهای کلامی و اعتقادی نجات پیدا کرد. «و چون [مغول] مقلد هیچ دین و تابع هیچ ملت نبود، از تعصب و رجحان ملتی بر ملتی و تفضیل بعضی بر بعضی مجتنب بودست بلک علما و زهاد هر طایفه را اکرام و اعزاز تبجیل میکردست» (جویی، ۱۳۸۲: ۱ / ۱۸). سهل‌گیری مغولان در امور مذهبی بنوعی آشفتگیهای اخلاقی و فساد رفتاری بسیاری را در پی داشت. «این طرز حکومت، طبقات ثروتمند و مرفه را از آنچه بعنوان اخلاق دینی توصیه میشد، روگردان میکرد و طبقات فقیر را هم وادار میکرد بدلیل فقرشان از هرگونه وسواس اخلاقی فاصله پیدا کنند. لاجرم رهایی از قید اخلاق تدریجاً شعار اهل عصر شد» (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۵۵ - ۵۴). باید گفت حمله مغول به ایران فساد اخلاقی و اجتماعی بسیاری را با خود به بار آورد. تا جایی که کارنامه حمله مغول را در طی دو قرن استیلای بی‌چون و چرا بر ایران میتوان چنین ارزیابی نمود: «کشتارهای بی‌امان و قتل عامهای پی‌درپی، شکنجه‌ها و آزارها، ساختن مناره‌ها از سرهای آدمیان، برداشتن دیوارها از صفهای اسرا همراه آجر و گچ، سر بریدن و مثله کردن، تخطی به نوامیس مردم بی‌دفاع، دزدی و غارت، ترویج انواع مفاسد و معایب، دروغ و تزویر، مخالفت با شرع و اخلاق و انسانیت» (صفا، ۱۳۸۲: ۳ / ۱۰). آنچه از اشعار سعدی برمی‌آید آن است که زیبارویان بدکاره در این آشوب و فساد و هرج‌ومرج براحته در دسترس اهل خویش قرار می‌گرفته‌اند و درحقیقت بر سر کوی و برزن دام طنازی و دلبریهای خویش را می‌گسترانیدند، چنانکه سعدی این ویژگی اجتماعی را توصیف میکند و میگوید:

اگر بر هر سر کویی نشیند چون تو بت‌روی / بجز قاضی نپندارم که نفسی پارسا ماند (مواعظ: ۷۱۵)

روسپیان و بدکارگان که در سر کوی و برزن بودند با زنهار و نهیب محتسبان که آنان را کتک میزدند تا روی بپوشند مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند. سعدی این شیوه امر به معروف و نهی از منکر یا بنوعی بازدارندگی زنان از اعمال منافی عفت را چنین مورد توجه قرار داده است: «حکما گویند چهار کس از چهار کس به جان برنجند: حرامی از سلطان و دزد از پاسبان و فاسق از غماز و روسپی از محتسب» (گلستان: ۲۸).

محتسب گر فاسقان را نهی منکر میکند / گو بیا کز روی مستوری نقاب افکنده‌ایم (مواعظ، ص ۸۴۱)

چنانکه از بیت بالا برمی‌آید، نهی از منکر تنها به تذکر زبانی محدود نمیشده است و سعدی در مصرع دوم با نوعی جسارت و بی‌پروایی محتسب را به اعمال هرگونه خشونت فرامیخواند و با لحنی تهدیدآمیز به محتسب میگوید «گو بیا». مشخص است که برخورد و رفتار محتسب با اعمال خشونت همراه بوده است. البته اعتراض سعدی به نبود عدالت اجتماعی در برخورد با اقشار گوناگون نیز قابل توجه است. سعدی خواستار برخورد محتسب با مجرمان و گنه‌کاران در نظامی عادلانه است؛ چراکه در روزگار وی گویا صوفیان شاهدباز ریاکار از هرگونه توبیخی در امان بوده‌اند:

محتسب در قفای رندان است / غافل از صوفیان شاهدباز (غزل: ص ۳۱۲)

به هر ترتیب یکی از وظایف محتسبان که سعدی بخوبی به آن اشاره نموده است، «نهی از منکر» محتسبان است که از کتک زدن هم ابایی نداشته‌اند:

محتسب... برهنه در بازار / قحبه را میزند که روی بپوش (مواعظ: ۱۵۲)

در مثال بالا از بی‌اخلاقیها و فساد محتسبان نیز پرده برمیدارد. نابسامانی اجتماعی روزگار سعدی نتیجه مهمی در اشعار وی به دنبال دارد و آن رواج نوعی طنز تلخ و شعر انتقادی است که نمونه برجسته آن را میتوان در آثار سعدی از جمله گلستان و بوستان و بویژه در خیثات یا هزلیات او مشاهده نمود.

قتل مخنث از سوی مغولان، تاوان و قصاص ندارد: در باب سوم گلستان، سعدی از یکی دیگر از آداب اجتماعی عصر خویش سخن میگوید و آن اینکه اگر تاتاری مخنثی را به قتل برساند، حکم قصاص بر او واجب نمیشده است؛ در این حکایت میخوانیم: «خشک سالی در اسکندریه عنان طاقت درویش از دست رفته بود. درهای آسمان بر زمین بسته و فریاد اهل زمین به آسمان پیوسته... در چنین سالی مخنثی دور از دوستان که سخن در وصف او ترک ادب است خاصه در حضرت بزرگان و بطریق اہمال از آن درگذشتن هم نشاید که طایفه‌ای بر عجز گوینده حمل کنند بر این دو بیت اقتصار کنیم که اندک دلیل بسیاری باشد و مشتی نمودار خرواری:

گر تتر بکشد این مخنث را / تتری را دگر نباید کشت (گلستان، باب سوم: ۸۴)

چنانکه در مصرع دوم پیداست درمقابل کشتن مخنث به دست یک نفر از اقوام مغول (تاتار) نباید به قصاص روی آورد. حال این سؤال پیش می‌آید که شاید سعدی به احکام فقهی و شرعی آگاه نبوده و طبق ذوق هنری و شاعرانه خویش به بیان چنین سخنی پرداخته است. اما با اندکی مذاقه در بررسی فقهی و حقوقی اندیشه‌های سعدی متوجه خواهیم شد که سعدی آگاهی و اشراف کاملی بر احکام و قوانین شرع مقدس داشته است. جهت پرهیز از اطالة کلام به ذکر یک نمونه اکتفا مینماییم: «در باب دوم [گلستان] حکایت چهارم سعدی درباره سرقت یکی از درویشان و گرفتاری وی به دست حاکم برای اجرای سرقت [اشاره میکند که] هر که از مال وقف چیزی بدزد قطع یدش لازم نیاید که «الفقیر لا یملک هرچه درویشان راست وقف محتاجان است. مسئله اجرای حد یا عدم آن نسبت به اموال وقفی در ادامه داستان نشان‌دهنده آن است که سعدی تنها شاعر نبوده است، بلکه بعنوان فقیه به جزئیات احکام فقهی نیز آگاهیهای لازم را داشته است» (علوی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). آگاهی سعدی از علوم فقهی و

انعکاس این آموزه‌ها در آثار وی بویژه در گلستان و بوستان امری انکارناشدنی است؛ ازاینرو عالمی چون سعدی آن هنگام که از عدم قصاص قاتل فرد مخنث سخن میگوید، نه از ناآگاهی است بلکه آداب اجتماعی عصر خویش را بتصویر میکشد.

توجه به حقوق بازنشستگی: یکی دیگر از رسوم ذکرشده در بوستان سعدی، توجه به حق خدمت قدیم و بنوعی پرداخت حق بیمه یا پاداش خدمتگزارانی است که سالها به صداقت در منصبی بکار مشغول بوده‌اند و بنوعی بازنشست شده‌اند. سعدی به این مسئله نیز توجه دارد؛ چنانکه میگوید:

قدیمان خود را بیفزای قدر / که هرگز نیاید ز پرورده غدر

چو خدمتگزاریت گردد کهن / حق سالیانش فراموش مکن (بوستان: ۴۹)

بنظر میرسد «فراموش نکردن حق سالیان» بیشتر جنبهٔ پرداختها و نواخته‌های مالی را دربر میگیرد و بنوعی تعیین حق و حقوقی از نوع بازنشستگی و مستمری مدام‌العمر به جبران خدمت سالهای کار و فعالیت باشد؛ چنانکه در ادامه میخوانیم:

گر او را هرم دست خدمت بیست / تو را بر کرم همچنان دست هست (همانجا)

نتیجه‌گیری

در میان آثار بزرگ ادب فارسی، اشعار و نوشته‌های سعدی بجهت پرداختن به بسیاری از نکات اجتماعی موجود در روزگار شاعر اعم از نکات فرهنگی، واقعیتهای موجود در جامعه، جزء آثار شاخص زبان فارسی است. گلستان و بوستان بدلیل ریزبینی، دقت و امعان‌نظر همه‌جانبهٔ سعدی به مسائل پیرامون و جامعهٔ خویش، منبعی ارزشمند در شناخت آداب و رسوم اجتماعی عصر شاعر است. تجلّی اوضاع اجتماعی زمانهٔ سعدی در آثار منظوم و منثور وی بازتابی از کشاکشها، شرایط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوران شاعر است که سبب شده است سعدی مانند جامعه‌شناسی نقاد، دایره‌العارفی از امور مختلف و گوناگون مانند جولان زنان بدکاره در شهر، قتل مخنثان توسط تاتارها و حکم آن، ظروف قلبی، اجازه و حیطة اختیار محتسبان، چگونگی تنبیه بدکارگان، توجه به مقرری بازنشستگی خادمان قدیمی و خدمت‌رسان همه و همه را مورد توجه قرار دهد. بررسی اشعار سعدی و تعمق در انعکاس آداب اجتماعی و فرهنگی عصر وی نشان میدهد سعدی در مقام نصیحتگری اجتماعی، طنزپردازی منتقد و نکته‌بینی خردمند به آداب و رسوم اجتماعی عصر خویش توجه داشته است. توجه به ظرائفی مانند رشوه‌خوری قاضیان، بدنامی محتسبان، نبود سیستم اجرایی نظارت بر احقاق حقوق مظلومان و آزادی تاتارها در انجام هرگونه جنایت از جمله قتل و غارت از مصادیق اوضاع ایران در شرایطی است که جامعه تحت سیطرهٔ قوم مغول قرار گرفته است و حدودمرزی برای غارت و قتل و تعدّی وجود ندارد. تا جایی که دستگاه عدل خود منبع فساد است. البته این نکات اجتماعی تنها انعکاس‌دهندهٔ آداب اجتماعی منفی نیست بلکه رسومی مانند هدیه دادن گل، توجه به حقوق بازنشستگی یاران قدیم و انتخاب کارگزاران براساس صلاحیت اخلاقی از نکات قابل توجه مثبت در آداب و رسوم و شرایط اجتماعی ایران در عصر یادشده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکدهٔ علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک استخراج شده‌است. آقای دکتر محمدعلی داوودآبادی فراهانی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح

اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم شهربانو رنجبر بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمدرضا زمان احمدی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

با سپاس از عنایت خداوند متعال و آرزوی توفیق فرهیختگان دانشگاه آزاد اسلامی در مسیر اعتلای فرهنگ، دانش و اندیشه در ایران سرافراز.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- The Holy Quran
- Alavi. Yousef. (2006). Jurisprudential teachings in Golestan. *Journal of Social Sciences and Humanities*, Shiraz University. 25 (3), pp. 147-155.
- Ansari. MohammadReza. (2007). A Shi'ite Encyclopedia. Volume Six. Tehran: Shi'ite Encyclopedia Publications. P.421.
- Bayani, Shirin. (2009). Sa'adi: The soil of Shiraz and the smell of love. Tehran: Yazda. pp. 145-144.
- Dehkhoda. AliAkbar. (1994). Dehkhoda dictionary. Tehran: University of Tehran Publications.
- Gholamrezaei. Mohammad. (1998). Stylistics of Persian poetry (from Rudaki to Shamlou). Tehran: Niloufar. pp. 243-242.
- Juvaini. Ata malik. (2003). *Tarikh-i Jahān-gushā*. Edited by Allameh Mohammad hossein Qazvini. Tehran: Book World. P.18.
- Kasaei. Noorullah. (1997). The story of scientists and the center of knowledge in the Mongol invasion. Research Letter Publication. pp. 321-289.
- Keshavarz. Mohammad Hossein. (2012). *Contastive Analysis and Eror Analysis Rahnama* press.
- Mustowfi. Hamdallah. (1985). *Nozhat ol-Gholub*. by Mohammad Dabirsiyaghi. Tehran: Tahoori. P.138.
- Rastegar Fasaee. Mansour. (1971). Articles about Saadi's life and poetry. Shiraz: Pahlavi University of Shiraz Publications .P. 145.

- Sa'adi. Musleh ibn Abdullah. (2005). Complete Works of Sa'adi. Correction by Muhammadali Forughi. Tehran: Ghoghnoos.
- Sa'adi. Musleh ibn Abdullah. (2005). Gulestan. Correction and explanation by Gholam Hossein Yousefi. Fourteenth edition. Tehran: Kharazmi.
- Safa. Zabihullah. (2003). History of literature in Iran. Tehran: Toos. P. 10, 21, 590, 167 and 165.
- Saghafi. Mohammad. (1996). A look at Sa'adi's social thoughts and moral values. *Mashkouh Quarterly*. No.51. p. 128
- Wellek. Rene & Warren. Austin. (1994). Literary theory. Translation: Zia Movahed and Parviz Mohajer. Tehran: Scientific and cultura. p. 99.
- Yaqut al-Hamawi. Shahabuddin Abi Abdullah. (1945). Mu'jam al-Buldan. Correction and order of description by Muhammad Amin Al-Khanji. Saadat, Egypt. Cairo: p.320.
- Yousefian. Mohammadjavad. (1978). A sociological look at Sa'adi. *scientific information*. 10(9), pp. 17-11.
- Zarrinkoob. Abdolhossein. (2001). Following the search in Iranian Sufism. Fifth Edition. Tehran: Amirkabir. P. 11.
- Zarrinkoob. Abdolhossein. (2007). Ba caravan Holle. Tehran: Scientific. pp. 55-54.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم

- انصاری. محمدرضا (۱۳۸۶). حسبه در دایره‌المعارف تشیع. جلد ۶. تهران: دفتر دایره‌المعارف تشیع. ص ۴۲۱.
- بیانی. شیرین (۱۳۸۸). سعدی: خاک شیراز و بوی عشق. تهران: یزدا. صص ۱۴۵ - ۱۴۴.
- ثقفی. سید محمد (۱۳۷۵). نگاهی به اندیشه‌های اجتماعی و سجایای اخلاقی سعدی. مشکوه. شماره ۵۱. صص ۱۲۸ - ۱۱.
- جوینی. عظاملك (۱۳۸۲). تاریخ جهانگشا. به تصحیح علامه محمد قزوینی. جلد ۱. تهران: دنیای کتاب. ص ۱۸.
- دهخدا. علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رستگار فسایی. منصور (۱۳۵۰). مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی. شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی شیراز. ص ۱۴۵.
- زرین‌کوب. عبدالحسین (۱۳۸۰). دنباله جستجو در تصوف ایران. چاپ پنجم. تهران: امیرکبیر. ص ۱۱.
- زرین‌کوب. عبدالحسین (۱۳۸۶). با کاروان حله. تهران: علمی. صص ۵۵ - ۵۴.
- سعدی. مصلح‌الدین (۱۳۷۹). کلیات. به تصحیح: محمدعلی فروغی. تهران: ققنوس.
- سعدی. مصلح‌الدین (۱۳۹۸). گلستان. به تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ چهاردهم. تهران: خوارزمی.
- صفا. ذبیح‌الله (۱۳۸۲). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: توس. صص ۱۰ و ۲۱ و ۵۹۰ و ۱۶۷ و ۱۶۵.
- علوی. سید یوسف (۱۳۸۵). آموزه‌های فقهی در گلستان. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. (۳) ۲۵. صص ۱۵۵ - ۱۴۷.
- غلامرضایی. محمد (۱۳۷۷). سبک‌شناسی شعر پارسی (از رودکی تا شاملو). تهران: نیلوفر. صص ۲۴۳ - ۲۴۲.
- کسائی. نورالله (۱۳۷۶). سرگذشت دانشمندان و مرکز دانش در حمله مغول. نامه پژوهش. شماره ۴. صص ۳۲۱ - ۲۸۹.

مستوفی. حمدالله (۱۳۳۶). نزهت القلوب. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: طهوری. ص ۱۳۸.
ولک. رنه و آستین وارن (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی. ص ۹۹.

یاقوت حموی. شهاب‌الدین ابی عبدالله (۱۳۲۴ هـ). معجم البلدان. تصحیح و ترتیب وصفه: محمدامین الخناجی. طبع به مطبعه سعادت. به جوار محافظه. مصر. قاهره: ص ۳۲۰.
یوسفیان. محمدجواد (۱۳۵۷). نگاهی جامعه‌شناختی به سعدی. اطلاعات علمی (۹) ۱۰. صص ۱۷ - ۱۱.

Keshavarz.M. (2012). Contastive Analysis and Eror Analysis, Rahnama press.

معرفی نویسندگان

شهربانو رنجبر: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
(Email: shahrbanooranjbar2020@gmail.com)
محمدعلی داوودآبادی فراهانی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

(Email: davoodabadi@iau-arak.ac.ir)

محمدرضا زمان احمدی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.
(Email: m-zamanahmadi@iau-arak.ac.ir : نویسنده مسئول)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Shahrbanoo Ranjbar: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: shahrbanooranjbar2020@gmail.com)

Mohammad Ali Davoodabadi Farahani: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: davoodabadi@iau-arak.ac.ir)

Mohammad Reza Zaman Ahmadi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(Email: m-zamanahmadi@iau-arak.ac.ir : Responsible author)